مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۱۸ ، زمستان ۱۳۹۸جلد۱، ص۹۱-۸۲
http://www.jrse.ir

تحول تاریخی ترجمه‌های آیه شریفه« أَلَمْ نجعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا» (المرسلات/۲۵)

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۹۱-۸۲

ملیکا کردلویی [۱]، فرشته دارابی [۲]
[۱] استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
[۲] استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:
فرشته دارابی

چکیده

هر واژه نمود یک تحول اجتماعی است؛ زیرا جلوه‌ای از احوالات مشترک افراد یک جامعه در مراحل مختلف حیات آن جامعه می‌باشد. همانگونه که عوامل اجتماعی، اقتصادی، تجربی و سیاسی که در بنای حیات اجتماعی مؤثرند، تحول دائم دارند، معانی واژه ها نیز مداوم در تحول هستند. از این رو یک واژه ممکن است بر معناهای گوناگونی دلالت کند. واژگان قرآنی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. از آنجا که ترجمه لغات قرآن یکی از لوازم اساسی در دستیابی به تفسیر صحیح آیات آن است، لذا باید از منابع و مبانی درست و اصیل بهره گرفت. از آیات مورد بحث که اخیراً برخی از مترجمان و محققان از آن ترجمه متفاوت از معنای زمان نزول ارائه کردند؛ آیه شریفه«**أَ لَمْ نجعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا**» (المرسلات/۲۵) است. برخی از مترجمان و مفسران معتقدند که این آیه شریفه دلالت بر جاذبه و حرکت زمین دارد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش کیفی از نوع تحلیل محتوایی استنباطی به بررسی لغوی از واژه کفات و بیان نظرات محققان و مترجمان در این‌باره می‌پردازد، نظریاتی که گاهاً با یکدیگر در تقابل هستند، و جهت ارائه معنای درست و ترجمه صحیح از آیه شریفه به ارائه شواهد و قرائن معتبر جهت ترجمه از این آیه شریفه پرداخته شود تا در نهایت ترجمه مطابق با مقصود شارع ارائه نماید.

واژگان کلیدی: تاریخ واژگانی، ترجمه قرآن کریم، کفاتاً، مترجم، سیاق، لغت عربی

درآمد

بی شک مهم ترین مرحله فرایند ترجمه، به ویژه در ترجمه متون مقدس، انتقال مفاهیم زبان مبدأ به زبان مقصد با واژگان و تعابیر دقیق است. اهمیت این مسئله تا جایی است که می توان گفت در نقد ترجمه نیز، نقد واژگانی جایگاه نخست را در نظر منتقد دارد؛ چنان که عمده اهتمام منتقدان در آشکار کردن نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها از نظر برابریابی دقیق واژه ها و تعبیرات زبان مبدأ صرف میشود.

نگاهی هر چند گذرا به کوشش‌های انجام شده در حوزه نقد ترجمهٔ قرآن کریم به زبان فارسی مشخص می‌نمایدکه نقد واژگانی ترجمه عمدتاً به صورت موردی انجام می‌شود و منتقد اهتمام خود را تنها صرف یافتن موارد دقت یا خطای مترجمان می‌کند. این کار هر چند ارزشمند و مغتنم است، اما ضرورت پرداختن به روشهای دیگر در عمل نقد در کنار نقدهای موردی همچنان احساس می‌شود. زیرا هم اشتباهات و خطاهای موردی مترجم را آشکار می‌کند و هم اینکه ابزار و اصولی کلی جهت ترجمه درست ارائه می‌کند تا ابهام بوجود آمده از چند معنایی بودن واژه را برطرف نماید. روش‌هایی که به ویژه شناختی تحلیلی و نظام مند از عمل مترجم و پیکرهٔ ترجمهٔ او به دست دهند؛ زیرا ترجمه قرآن و پیش نیازهای آن، مترجم قرآن کریم پس از احراز شرایط ایمانی، معنوی و قلبی می باید؛ شرایط علمی و عملی چندگانه ای دارا باشد، چون ترجمه و تفسیر، اجمال و تفصیل یک واقعیت هستند و هر مفسری مترجم و هر مترجمی مفسر است؛ زیرا که ترجمه یک تفسیر اجمالی از قرآن است و شرایط مفسر قرآن و اطلاعات علمی لازم برای مفسر قرآن قابل تسری و اطلاق به مترجمان هم هست. لذا مترجم قرآن باید به یکسری علوم احاطه داشته باشد.

از مباحثی که مترجمان خبره و آگاه قرآن کریم، به آن توجه کافی داشته‌اند، نقش تطور لغت در ترجمه قرآن که همان تحول معانی(سمانتیک) است، مترجم خبره در این مرحله عارف به تحول زبان بوده؛ زیرا برخی از واژه‌ها در طول زمان، به موجب عواملی تغییر معنی می دهند و معانی جدید پیدا می‌کنند، چه بسا واژه‌های در عصر نزول قرآن در معنایی ظهور داشته و استعمال آن در آن معنا شایع بوده، ولی اکنون استعمال آن در آن معنا رایج و شایع نباشد.

طرح مسئله

نقش تطور لغت یکی از اصول و مسائلی که باید مترجم قرآن، به آن توجه لازم داشته باشد، تحول معانی (سمانتیک) است، مترجم در این مرحله باید به تحول زبان واقف باشد، چرا که بعضی از الفاظ در گذر زمان، معانی تازه‌ای می‌یابند، چه بسا واژه ای در زمان نزول قرآن در معنایی رایج داشته و استعمال آن در آن معنا شایع بوده، ولی اکنون استعمال آن واژه در آن معنا رایج و شایع نباشد؛ زیرا کلمات در گذر زمان و به خاطر عواملی، دچار تغییر معنی می‌شوند. مثلاً در قرآن کریم برخی الفاظ شرعی در پدیده‌ای استعمال شده‌اند که از ابداعات شریعت هستند که به خاطر انقلاب فرهنگی که اسلام پدید آورد معانی خود را از دست داده و در معانی جدیدی به کار رفته‌اند که به آن منقول لفظی اطلاق می‌شود. برخی از الفاظ خاصی، مانند: لفظ صلوة، زکاة، صوم، حج غیره قبل از اسلام دارای معنایی مخصوصی بوده‌اند و بعد از اسلام این الفاظ از معانی لغوی به شرعی نقل شده‌اند.

این موضوع یکی از مباحث بحث انگیزه میان اصولیون است که نقل این الفاظ از معانی شرعی آیا در زمان پیامبر(ص)محقق شده که در عرف اصولیون«حقیقت شرعیه» اطلاق میشود و یا در زمان پیامبر(ص) محقق شده که در عرف اصولیون «حقیقت شرعیه» اطلاق میشود و یا در یاران و پیروان «متشرعه» نامیده میشود که ثمره این نزاع عده ای قائل بر قول نخست، برمعانی شرعیه حمل می‌کنند و گروهی حمل بر معانی لغوی گروهی دیگر قائل به توقف هستند(نجار، ۱۳۸۱ش، ۴۷).

مبحث فوق تنها یکی از نمونه‌های تطور معانی واژگان در طول زمان است که به وضوح نشان می‌دهد که زبان تکامل دارد و پویاست و زبان و لغت پیوسته، به مرور زمان و به واسطه آمیزش با زبان و فرهنگ‌های دیگر دستخوش دگرگونی و تحول است که مترجم قرآن کریم باید کمال التفات نسبت به تطور لغت داشته باشد. تلاش هر مترجم این است که محتوایی که حقیقتی تغییر ناپذیر است در قالب الفاظ جدید و مفاهیمی به تناسب نیاز روز در آورد. لذا ضرورت ایجاب می‌کند که متن اصیلی چون قرآن در هر زمان بر اساس این تحول بر گردان شود تا مورد استفاده بهینه قرار گیرد(نجار،۱۳۸۵ش، ۵۲)

یکی از واژگانی که در طول زمان تطور معنی پیدا کرده است واژه «کفاتاً» است به خصوص در عصر کنونی و با پیشرفت علوم تجربی مترجمان و مفسران قرآن از این آیه شریفه در پی اثبات جاذبه و حرکت زمین هستند. به همین جهت پژوهش حاضر درصدد است شواهد و قرائن از منابع اصیل دینی جهت ترجمه صحیح قرآن کریم آیه ۲۵ سوره مرسلات ارائه دهد؛ تا به معنای صحیح و طبق نظر شارع مقدس ترجمه شود.

۱.معنای لغوی واژه کفاتاً

در کتاب های لغت برای ماده «کفت» معانی و کاربردهای متعددی ذکر شده است. اما باید دقت داشت که این معانی با توجه به ساختار این واژه و هم نشینی با واژگان دیگر و سیاق جمله متفاوت است. اما در کل این معانی عبارت اند از:

الف-جمع کردن(ابن فارس، ۱۳۶۲ق،۱۹۰/۵؛ راغب اصفهانی۱۳۷۴ق، ۳۸/۴)

ب- متصل و ضمیمه نمودن(جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲۴۶/۲ ؛ ابن فارس، ۱۳۶۲ق، ۱۹۰/۵)

پ-حرکت و پرواز سریع(راغب اصفهانی۱۳۷۴ق، ۳۸/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶۰/۲)

ت-دگرگونی و تغییر دادن(جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲۶۳/۱)

ث-بازگشتن (فراهیدی،۱۴۱۰ق، ۳/ ۱۵۸۳)

ج-در بر گرفتن (فیروز آبادی، ۱۳۸۶ق، ۳۳۶/۱)

چ-زیر و رو کردن(فراهیدی،۱۴۱۰ق، /۱۵۸۳؛ فیروز آبادی، ۱۳۸۶ق، ۳۳۶/۱)

ح-دیگ کوچک(ابن فارس، ۱۳۶۲ق، ۵/ ۱۹۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ۳۸/۴).

همان گونه که بیان شد؛ واژه کفاتاً در کتب لغت به معانی متفاوتی آمده است البته برخی از این معناها را همچون معنای گزینه‌های (الف)،(ب)،(ج) و همچنین معنای گزینه‌های (ت) و (چ) را میتوان در یک گروه معنایی دسته بندی کرد.

۲.نظر مفسران و محققان

مفسران و دانشمندان مسلمان در قرن‌های اخیر و با پیشرفت علم و اثبات جاذبه و حرکت زمین، تفسیرها و نظریات مختلفی و گاه متضادی در ذیل آیه ۲۵ سوره مرسلات بیان کرده‌اند. مهم‌ترین این نظریات عبارتند از:

الف) مکارم شیرازی، پس از نقل دو معنای «جمع کردن و پرواز سریع» برای واژه‌ی کفات، در بیان مفهوم آیه شریفه آورده است: اگر معنای اول منظور باشد مفهوم آیه آن است که زمین را وسیله اجتماع انسانها در حال حیات و زیر زمین را مرکز اجتماعشان بعد از مرگ قرار دادیم. و اگر معنای دوم منظور باشد مفهومش این است که زمین دارای پرواز سریع است و این حرکت انتقالی زمین به دور خورشید که با سرعت زیادی و در هر ثانیه ۲۰ و در هر دقیقه۱۲۰۰ کیلومتر، در مسیر خود به گرد خورشید پیش می رود و مردگان و زندگان را با خود به اطراف آفتاب می گرداند، مناسب است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ۸/ ۱۵۴).

ب) محمد علی سادات از نویسندگان معاصری است که واژه‌ی کفات را در آیه بیانگر حرکت و جاذبه زمین می داند. ایشان در این باره می نویسد: « کفات مصدر است به معنای پرواز سریع که پرنده از شدت سرعت برای حفظ اعتدال خود بال و پرش را جمع می‌کند، این جمع کردن بال و پر از شدت سرعت را «کفات » گویند. « کفات» در اینجا به صورت مصدر استعمال شده و هر وقت مصدر به صورت اسم فاعل به کار برده شود، مبالغه را می‌رساند یعنی در اینجا شدت فوق‌العاده پرواز نشان داده شده است پس مفهوم آیه چنین می‌شود: « آیا زمین را به صورت پرواز (یا پرنده‌ای سریع‌السیر) نیافریدیم؟ که در عین حال که با سرعت پرواز می‌کند از مرده و زنده در خود نگه می‌دارد و از آنها حفاظت و حراست می‌نماید» و این حفاظت اشاره به نیروی جاذبه زمین می‌باشد. پس در این آیه دو اصل علمی بیان شده است: یکی حرکت زمین و دیگری وجود نیروی جاذبه.»(سادات، ۱۳۵۷ق، ۲۲۵ـ۲۲۶).

پ) مؤلف **تفسیر الفرقان** با مصدر دانستن«کفات» آن را مفعول دوم نجعل می‌داند و با اشاره به آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی ملک که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا» این چنین آورده است: زمین دورانی بدون کفات بود، دیوانه وار به این سو و آن سو حرکت می کرد و هیچ گونه جاذبه‌ای نداشت، سوزان بود و برای زندگی بشر آماده نبود و خداوند متعال آن را به صورت کنونی که در عین حرکت سریع، زندگان و مرده‌ها را بر روی خود نگاه می دارد، در آورده است.» (صادقی تهرانی، ۱۳۷۶ق، ۳۴۲/۲۹). ایشان مراد از «احیاء» را موجودات دارای احساس و مراد از «اموات» را موجودات بدون حس مثل جو و اکسیژن می داند، که به همراه زمین در حرکتند.

صادقی تهرانی در کتاب دیگرش، این آیه‌ی شریفه را اشاره به حرکت انتقالی زمین می‌داند و می‌نویسد: «قرآن کریم زمین را به مرغی که در هوا به سرعت پر می زند و بعد بال‌های خود را محکم می بندد تا به سوی هدفش سریعتر حرکت کند، تشبیه کرده است و بدین صورت حرکت انتقالی زمین در فضا را برای مردم مجسم فرموده است.» (صادقی تهرانی، ۱۳۴۹ش، ۸۴)

ت) در مقابل صاحب نظرانی در باب تفسیر و لغت قرآنی همچون مصباح یزدی استفاده حرکت زمین از آیه فوق را ضعیف دانسته و این چنین بیان کرده‌اند: «کفات موضعی است که اشیاء در آن جمع‌آوری می‌گردد و در اصل معنای آن گرفتن و ضمیمه کردن (قبض و ضم) وجود دارد... کفات دارای معنای دیگری نیز می‌باشد. عرب می‌گوید: کفت الطائر، ای اسرع فی الطیران ـ پرنده به سرعت پریده با توجه به همین معنا، برخی گفته‌اند این آیه اشاره‌ای است به حرکت انتقالی زمین. اما ظاهراً این احتمال از احتمال نخستین ضعیف‌تر است؛ زیرا

کفات معنای مصدری دارد. بنابراین معنای آیه چنین می‌شود که: زمین سرعت است. نه اینکه سرعت دارد مگر آنکه مصدر را به معنای صفت بگیریم که این نیز خلاف ظاهر است(مصباح یزدی، ۱۳۸۸ش،۲۴۵).

ث) علامه طباطبائی (ره) نیز در تفسیر آیه فقط معنای جمع‌کردن را پذیرفته است(جمع بندگان زنده و مرده روی زمین) (طباطبائی۱۳۷۴ق، ۲۰، /۲۴۷).

۳.بررسی ترجمه‌ها

مهم‌ترین بحث پژوهش حاضر بررسی ترجمه‌های موجود در ذیل آیه ۲۵ سوره مرسلات و ترجمه درست از واژه کفات است. به همین جهت در این قسمت از پژوهش به بررسی برخی از ترجمه‌های موجود در این رابطه پرداخته می‌شود:

رضایی، برزی و گرمارودی: آیا زمین را قرار نداده‌ایم فراگیرنده؟

انصاریان و دهم هجری: آیا زمین را فراهم آورنده [انسان‌ها] قرار ندادیم؟

مکارم شیرازی، حجتی، ترجمه المیزان(موسوی همدانی) و فولادوند: آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم،

مشکینی: آیا این زمین را حرکت‌کننده به سرعت در جوّ، و فراگیر و جای‌دهنده (برای ساکنان مختلف آن) قرار ندادیم؟

فارسی، یاسری، مصباح زاده و بهرام پور: مگر نه زمین را در بر گیرنده ساختیم.

طاهری: آیا زمین را پرنده‌ای تیز پرواز قرار ندادیم که زندگان و مردگان را [بر گرده خود] نگهبان است؟

آیتی و پورجوادی: آیا زمین را جایگاهی نساختیم.

الهی قمشه ای: آیا ما زمین را جامع (حوایج و کفایت بر مسکن و هر امر بشر) قرار ندادیم؟

پاینده: مگر زمین را فراهم دارنده نکردیم

صلواتی: آیا زمین را بسنده نساختیم؟

ارفع: آیا ما زمین را کفایت اهل زمین قرار ندادیم؟

شعرانی: آیا نگردانیدیم زمین را کافی؟

کاویانپور: آیا ما زمین را مسکن شما قرار ندادیم؟

تشکری: نبود خاک مجمعی آیا؟

عطا الله فرهنگ قهرمانی: آیا زمین را (جایگاهی) نکردیم که فراهم بیاورد.

دهلوی: آیا نساخته‌ایم زمین را جمع‌کننده آدمیان.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد؛ مترجمین قرآن، درباره‌ی این آیه ترجمه هایی متفاوتی دارند. البته این ترجمه‌ها را در چند دسته می‌توان دسته بندی کرد:

الف: دسته نخست که اکثر مترجمین با الفاظ متفاوت ترجمه کردند، همچون: «فراگیرنده، فراهم آورنده، مرکز اجتماع، جای‌دهنده، در برگیرنده، جایگاهی، جامع، فراهم دارنده، مسکن، جمع‌کننده.» اما در واقع در بردارنده مفهوم مجمع هستند.

ب: علی اکبرطاهری معنای واژه را به پرنده تیز پرواز ترجمه کرده است.

ج: مشکینی به تمام معانی این واژه اشاره کرده در صورتی که ظاهراً درصدد پیوند معنایی این آیه با بعد خود نبوده‌اند.

ه: فرهنگ قهرمانی در ترجمه واژه کفاتاً که مفعول به و در آیه آمده، ترجمه این واژه را به صورت توضیحی به گونه ای که در ظاهر آیه ذکر نشده در پرانتز آورده است. که نشان دهنده عدم دقت ایشان در ترجمه است.

و:آقای ارفع، صلواتی و شعرانی ترجمه که ارائه کردند با توجه به معانی لغوی واژه نبوده و معنای تحت الفظی و با حفظ ظاهر واژه در زبان فارسی بیان کردند که این کار درست به نظر نمی‌آید؛ زیرا به مفهوم این واژه در زبان عربی و مقصود آیه دقت کافی نکردند.

۴.شواهد و قرائن برای ترجمه واژه«کفاتاً»

انتخاب و گزینش هر شاخص و شاهدی در ترجمه، به روش خاص مترجم در ترجمه برمی‌گردد؛ به همین دلیل مترجمان بر اساس نوع بینش و مبانی خود، در مواردی، روش‌های گوناگونی در ترجمه برمی‌گزینند و هر یک طبق همان روش، ترجمه‌ای متمایز از همدیگر ارائه می‌دهند. جهت ترجمه صحیح و یافتن معنای درست واژه در عصر نزول و پی بردن مقصود شارع مقدس در منابع دینی شواهد و قرینه‌های وجود دارد و مترجم قرآن کریم با مراجعه به این شواهد می‌تواند معنای مورد نظر از معانی احتمالی که داده می‌شود تشخص و تمیز دهد. این شواهد و قراین جهت ترجمه آیه شریفه۲۵ سورۀ مرسلات عبارت‌اند از:

الف:سیاق آیه

جایگاه سیاق در ترجمه قرآن یکی از شواهد و نکاتی که می‌تواند مترجم قرآن را جهت یافتن معنی صحیح یاری نمایید، التفات به سیاق آیات معضلات ترجمه را مرتفع می‌سازد؛ زیرا برای درک بار معنایی الفاظ قرآن، هرگز رجوع صرف به کتب لغت معتبر کفایت نمی‌کند و صحیح تر آن است که به نحوه کاربرد آن لغت در سیاق آیات نیز توجه نمود و فضای آیات را در نظر گرفت. در این توجه‌ها مقاطع آیات کمک بسیاری در درک صحیح روند آیات و فضای مفاهیم می نماید و در واقع، این نکته مهمترین مسئله در کشف مفاهیم الفاظ قرآن و مقاصد قرآن از به کار گیری این الفاظ، شمرده می‌شود که نیازمند احاطه بر آیات و انس مستمر با مفاهیم الفاظ قرآن از به کارگیری این الفاظ، شمرده می‌شود (نجار،۱۳۸۱ش، ۶۳).

مراد از سیاق سیر کلی یا جریان کلی یک جمله یا مجموعه‌ای از جمله هاست که از رهگذر آن، مفهوم خاصی به هم می‌رسد. جریان کلی یک جمله به الفاظی که در آن به کار رفته، جهت معنایی خاص می بخشد و جریان کلی مجموعه یک متن، به هر یک از جمله هایی که در آن آمده، جهت مفهومی ویژه ای می دهد، لذا نه می‌توان یک لفظ را جدای از جمله اش معنا کرد و نه یک جمله را جدای مجموعه ای که در آن قرار دارد. معنایی که برای یک لفظ در نظر گرفته شود، باید با بقیه اجزای جمله تناسب داشته باشد (شاکر، ۱۳۳۷۶ش، ۳۰).

از این رو بحث سیاق آیات می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در فهم و ترجمه قرآن داشته باشد. سیاق در قرآن کریم ساختار کلی است که بر مجموعه ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه افکنده و بر معنای آن اثر میگذارد و نادیده گرفتن آن هماهنگی و تناسب معنای کلمه ها و جمله ها را خدشه دار کند. زرکشی در این باره آورده است: «دلالت سیاق موجب روشن شدن مجمل و حصول یقین به عدم وجود اکمال خلاف و تخصیص عام و تقید مطلق و تنوع می‌گردد؛ و آن زمان از بزرگ ترین قراینی است که بر مراد متکلم دلالت می کند و هر کس به این قرینه مهم بی اعتنا باشد، دچار خطا شده و در مناظرات و گفت و گوهای خود نیز به خطا خواهد رفت(زرکشی،۱۴۱۰ق، ۲ /۲۰۰).

به همین جهت مترجم آگاه جهت فهم و ترجمه درست لفظ «کفاتاً» به دو نکته توجه دارد: نخست اینکه؛ آن را در مجموعه بهم پیوسته سوره مرسلات و فضای حاکم بر سوره در نظر می‌گیرد. سوره مرسلات از جمله سوری است که احوال قیامت و مسائل هول‌انگیز آن دادگاه بزرگ را منعکس می‌کند. و در پی تشریح احوال مردگان و زندگان می‌باشد.

نکته دیگر اینکه؛ توجه به سیاق آیات به‌خصوص آیه بعد یعنی؛ «أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا» (المرسلات/۲۶) ترجمه آیه نمی‌تواند به حرکت و جاذبه زمین دلالت کند؛ زیرا آیه «احیاء و امواتاً» در این جا اصولاً یک جمله نیست، حتی یک جمله ربطی هم نیست، دو کلمه است که بر یکدیگر عطف شده و دنباله جمله آیه «الم نجعل الارض کفاتاً» است. با توجه به این ارتباط معلوم می شود که کلمه «کفات » باید معنایی داشته باشد که از نظر قواعد دستوری بتواند با احیاء و امواتاً که مربوط به آیه بعد است مرتبط باشد. اگر کفات را پرنده تیز پرواز معنی شود، از نظر دستوری یک «اسم» است و نمی تواند با احیاء و اموتاً رابطه دستوری داشته باشد، ولی اگر به معنی «در بر گیرنده» باشد، احیاء و امواتاً به آسانی می تواند با آن پیوند و معنایی داشته باشد و در حکم معقول برای این صفت باشد.

ب: توجه به روایات

ترجمۀ قرآن در حقیقت چکیده‌ای از تفسیر آن است، بنابراین همانطور که یکی از منابع تفسیر روایات وارده از معصومین(ع) می باشد، روایات تفسیری در ترجمۀ قرآن کریم نیز می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، همان گونه که در برخی از ترجمه‌ها نقش روایات پر رنگتر است.

در کتب حدیثی، روایت‌های تفسیری به وفور یافت می‌شود که به کار بردن درست و تلفیق هنرمندانۀ آن با ترجمه در عین حفظ مرزبندی مربوطه می‌تواند نقش بسزایی در بالا بردن کیفیت ترجمه های قرآن کریم و درک بهتر مفاهیم قرآن کریم داشته است. برای ترجمه آیه مورد بحث نیز مراجعه به روایات می‌تواند کمک شایانی جهت انتخاب معنای درست کند. در ذیل این آیه در روایتی آمده است که امیر مؤمنان علی(ع) هنگامی که از میدان صفین باز می‌گشت به نزدیک کوفه رسید، هنگامی که چشمان مبارکش به قبرستانی که بیرون دروازه کوفه بود افتاد فرمود: هذه کفات الاموات ای مساکنهم: " این کفات مردگان است یعنی منزلگاههای آنها است" و سپس نگاهی به خانه‌های کوفه کرده، و فرمود: هذه کفات الاحیاء:" این هم منازل زندگان است" سپس آیات فوق را تلاوت فرمود: «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً أَحْياءً وَ أَمْواتاً»(کلینی،۱۴۰۷ق، ۶/ ۴۹۳).

همچنین در حدیثی دیگری آمده است: «حبب إلی النساء و الطیب و رزقت الکفیت.» ابن اثیر در ذیل این حدیث آورده اند که «اکفت به معیشتی» یعنی؛ جمع و نگه‌داری کردن (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ۴/ ۱۸۴).

پ: کتب لغت معتبر نزدیک به زمان نزول

مهم‌ترین اقدام یک مترجم در معنی کردن واژگان قرآنی، این است که معنای لغت قرآن را در زمان نزول بداند؛ زیرا لغات قرآن در طول تاریخ، در مجاز به کار می روند و باعث اشتباهاتی می شوند. فارابی در خطبه دیوان الادب در مورد قرآن مجید گفته است: برای دستیابی به علم قرآن و درک کردن معانی واژگان قرآنی باید تبحر و مهارت در علم لغت عرب داشت(سلام،۱۴۰۳ق، ۱۵۸). جاحِظ ،از نویسندگان ومشاهیر در فنون ادبی در سده سوم قمری است، نیز درباره ترجمه و مترجم می‌گوید: شایسته است که داناترین مردم نسبت به لغت به ترجمه قرآن بپردازد؛ تا اینکه به کمال و غایت معانی آیات دست یابد(جاحظ، ۱۴۲۴ق، ۷۶/۱).

کتب لغت قریب به عصر نزول از مهم‌ترین ابزار پس از سیاق و روایات جهت کاوش و تدبر جهت ورود به حوزه ملکوتی قرآن کریم باشد؛ زیرا زبان و لغت پیوسته به مرور زمان و به واسطه آمیزش با زبان و فرهنگ‌های دیگر، دستخوش دگرگونی و تحول بوده، واژه‌ها، معانی جدیدی به خود می‌گیرند. این معانی جدید، برای نسل‌های دور از صدر اسلام، مانعی جهت فهم مقاصد قرآنی می‌گردند و قطعاً مخل در تدبر درست می‌شوند، از این رو بر مترجمان قرآن لازم است که به فرهنگ های لغت قریب به عصر نزول استناد دهند. به خصوص فرهنگ‌هایی که در مرتبط با قرآن فراهم گشته‌اند.

البته نباید از دخالت رأی و نظر محققین لغت در معنی برخی از واژه‌ها و خصوصیات آنها غافل ماند، به همین جهت ضرورت مراجعه به چند فرهنگ و دقت نظر اجتهادی میتواند راه حل خوبی جهت دست یافتن به معنی دقیق‌تر باشد. از طرف دیگر عدم وجود مترادف در قرآن هر مترجمی را باید به تلاش و دقت بیشتری در کشف خصوصیات واژه‌ها وادار نماید، و از به کار بردن معنای مترادف و مشترک مطرح شده در فرهنگ ها باز می‌دارد؛ زیرا در قرآن هر واژه در جایگاه خویش، نقش اساسی در اعجاز قرآن بلاغی قرآن ایفا می‌کند و جایگزینی واژه‌های مشابه به اعجاز قرآن صدمه می‌زند؛ چرا که قرآن سخن حکیم می‌باشد، و هر نکته و تعبیر را در جایگاه مناسب خویش بیان کرده است. اما برخی از مترجمان به واسطهٔ عدم احاطه بر لغت، عدم شناخت جایگاه و عدم برخورداری از حکمت، دقت کافی را در کاربرد واژه ها به کار نمی‌گیرند.

واژه کفات دارای معانی متفاوت و مشابهی است اما با مراجعه به کتب معتبر و قدیمی لغت عرب روشن می‌گردد که ماده «کفت» با توجه به ساختار و هم نشینی با واژگان مختلف بر معانی متفاوتی دلالت می‌کند. به عنوان مثال در کتب لغت این چنین آمده است:

و الکِفَاتُ من العدو و الطیران کالحیدان فی شدهٔ: کفات زمانی که با واژه های دویدن و پرواز به کار می‌رود بر سرعت حرکت و پرواز دلالت می کند. یا اینکه؛ کِفَاتُ الأرض: ظهرها للأحیاء و بطنها للأموات: اما وقتی این کلمه به همراه کلمه زمین به کار می رود، به معنای این است که زمین، زندگان و مردگان را در خود جمع می‌کند. همچنین این واژه در عبارت وقعَ فی الناس کَفْتٌ به معنای مرگ است. هنگامی که برای خداوند به کار می‌رود معنای قبض روح کردن و گرفتن روح به کار می‌رود؛کَفَتَهُ اللّه: خداوند روحش را گرفت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۳۴۰/۵؛ ابن فارس،۱۳۶۲ق، ۱۹۰/۵؛ راغب اصفهانی۱۳۷۴ق، ۶/ ۳۸).

به همین جهت علمای لغت معنای این واژه را در این آیه به مجتمع موجودات زنده بر روی زمین و موجودات مرده در زیر زمین معنی کردند. و زمانی که این واژه برای پرندگان به کار برود معنای سرعت و حرکت را می‌دهد.

ت: شعر عرب

اشعار شاعران جاهلیت و نزدیک به عصر نزول یکی از شواهدی است که مسلمانان جهت ابهام معنای لغوی واژگان قرآنی به آنها مراجعه می‌کردند. همان‌گونه که ابن عبّاس در این باره می‌گوید: «شعر دیوان عرب است و بنابراین، هرگاه کلمه ای در قرآن، که به زبان عربی نازل شده بر ما پوشیده بماند، به دیوان عرب رجوع می‌کنیم و از آنجا به شناخت معنای آن کلمه می‌رسیم.»(سیوطی،۱۳۸۰ق، ۳۸۲/۱).

برای توجیه استناد به شعر، مؤیّدات روایی نیز قابل ذکرند؛ مانند نقل های متعدد از انشاد شعر در حضور پیامبر(صلی الله علیه وآله) و حرکت تأیید و تقریرگونه آن حضرت؛ از جمله آنکه روایت شده است. ایشان با بخشش خلعت، شاعر را مورد عنایت قرار دادند(العک، ۱۴۰۶ق، ۱۴۲ـ۱۴۴)حتی ابن سعد در طبقات، از شرید بن سوید ثقفی نقل کرده است که پیامبر(صلی الله علیه وآله) از من، خواندن یکی از اشعار امیّهٔ بن صلت را درخواست نمودند و من نیز اطاعت کردم(ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ۵۱۳/۵).

از دیگر مؤیّدات، استشهادات امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نهج البلاغه به برخی اشعار عربی است[۲]،گرچه نقل اشعار عرب در بیانات آن حضرت، بیشتر از باب تمثّل و بیان ضرب المثل بوده، اما مهر تأییدی بر جواز استناد به اشعار عرب است؛ زیرا اگر آن اشعار از جهات ادبی

---

[۲] نهج البلاغه، خطبه های ۳،۲۵، ۳۳، ۳۵، ۱۶۲ و نامه های ۲۸، ۳۶، ۴۵، ۶۴.

و روایی و رسایی قابل اعتنا نبودند، در سخنان فصیح و بلیغ امیر بیان (علیه السلام) مورد استشهاد قرار نمی گرفتند(نقیب زاده، ۱۳۸۴ش، ۹).

در اشعار شاعران جاهلی واژه کفات به معنای جمع کردن و در برگرفتن به کار رفته است. به عنوان مثال زهیر در توصیف زره یادآور می‌شود که صاحب زره آن را به خود چسبانده بود.

و مُفَاضَةٍ کالنِهْیِ تَنْسُجُهُ الصَبَا بیضاءَ کُفِّتَ فَضْلُهَا بمُهَنَّدِ

(ثعلب،۱۹۴۴م،۱۷۰)

همچنین أبو ذؤیب نیز در شعر خود این واژه را به همین معنا به کار برده است:

أتَوْها بریحٍ حاوَلَتْه تُکَفَّتُ قد حَلَّتْ و ساغ شَرابُها

(سکری، ۱۴۰۱ق، ۴۸)

بنابراین با استناد به اشعار جاهلی می‌توان معنای جمع و نگهداری که اولین معنایی است که از واژه به ذهن عرب عصر نزول می‌رسید و در اشعار نیز همین معنا مراد است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان گردید از واژه کفات در ترجمه های فارسی معانی متفاوتی ارائه شده است تا جایی که برخی با استناد به معنای حرکت سریع همچون پرواز پرنده تیز پرواز معنای حرکت زمین و برخی نیز به جاذبه زمین اشاره کرده‌اند. در صورتی که این واژه در عصر نزول چنین معنایی نداشته است و برخی از مترجمان و مفسران در پی پیشرفت علم تجربی به دنبال تطبیق آیات قرآن شریفه با علوم جدید هستند. اما هر مترجم و مفسر قرآن کریم در قدم نخست جهت ترجمه آیه لازم است به شواهد و قرائنی مراجعه کند که اولین قدم سیاق آیات و حتی سوره است و هیچ‌گاه در صدد ترجمه واژگان قرآن جدای از سیاق و اهداف معنای آیه نباشد و برای ترجمه صحیح از آیه آن را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیرد؛ نه اینکه واژه را مستقل از مفهوم کلی آیه ترجمه و در پی تطبیق رأی و نظر خود دراین باره باشد هرچند که این رأی و نظر در ظاهر صحیح و اثبات شده باشد؛ زیرا این کار یکی از مصادیق تفسیر به رأی است و کاری ناشایست و مذموم است. از طرف دیگر روایات، کتب لغات معتبر و نزدیک به عصر و اشعار عرب جاهلی از منابع معتبر و قابل استناد جهت ارائه ترجمه واژگانی است که در ظاهر معانی متعددی دارند و با استناد به این منابع قطعاً معنی اصلی و مقصود خداوند از آیه به روشنی معلوم می‌شود. در نهایت اینکه ترجمه صحیح و درست از «ارض کفاتاً » زمین محل یا مرکز اجتماع است همان‌گونه که در ترجمه آقایان مکارم شیرازی، حجتی، ترجمه المیزان(موسوی همدانی) و فولادوند نیز آمده است.

منابع و مراجع

قرآن کریم، اصل عربی؛ نیز، ترجمه‌های عبدالمحمد آیتی(تهران،سروش،۱۳۷۴ش)، کاظم ارفع(تهران، فیض کاشانی،۱۳۸۱ش)،مهدی الٰهی قمشه‌ای (مشهد، طوس، ۱۳۸۲ش)، حسین انصاریان (قم، اسوه، ۱۳۸۳ش)، ابوالفضل بهرامپور(قم، آوای قرآن،۱۳۸۷)، ابوالقاسم پاینده (تهران، جاویدان،۱۳۷۵ش)، شهاب تشکری آرائی(تهران، سازمان تبلیغات،۱۳۸۳)،کاظم پورجوادی(تهران، بنیاد دائره المعارف،۱۳۷۲ش)، محمدعلی رضایی اصفهانی(قم، دارالذکر،۱۳۸۳ش)، شاه‌ولی‌الله دهلوی(سراوان، کتابفروشی نور)، رضا سراج (تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۷۵ش)، محمد صلواتی(تهران، مبارک، ۱۳۸۷)، ابوالحسن شعرانی(تهران،اسلامیه،۱۳۸۲)،سید مهدی حجتی(قم،بخشایش،۱۳۸۵)، علی‌اکبر طاهری (تهران، قلم، ۱۳۸۰ش)، محمد مهدی فولادوند (تهران، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۹ش)، عطاءالله فرهنگ قهرمانی(هند، امانه،۲۰۰۸م)، محمد کاویانپور(تهران، اقبال،۱۳۷۲)، علی مشکینی (قم، الهادی، ۱۳۸۱ش)، ناصر مکارم شیرازی (مشهد، آستان قدس، ۱۳۸۲ش)، علی موسوی گرمارودی (تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ش).

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ق)، **النهایة فی غریب الحدیث و الأثر**، به‌کوشش محمود محمد طناحی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن سعد (۱۴۰۵ق)، **الطبقات الکبری**، بیروت، دار بیروت للطباعه و النشر.

ابن فارس احمد بن فارس،(۱۳۶۲ق)، **معجم مقاییس اللغه**، قم، حوزه علمیه قم.

ابن منظور محمد بن مکرم،(۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.

العک، خالد عبدالرحمن (۱۴۰۶ق)، **اصول التفسیر و قواعده**، بیروت، دار النفائس.

ثعلب، أبی العباس (۱۹۴۴م)، **شرح دیوان زهیر بن أبی سلمی**، قاهره: دار الکتب المصریة.

جاحظ، عمرو بن بحر(۱۴۲۴ق)، **الحیوان**، بیروت، دار الکتب العلمیه، .

جوهری ، اسماعیل بن حماد(۱۳۷۶ق)، **صحاح اللغة** ، بیروت ، دارالعلم للملایین.

خالد عبدالرحمن العک(۱۴۰۶ق)، **اصول التفسیر و قواعده**، بیروت، دارالنفائس.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۳۷۴ق)، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی.

زرکشی، محمد بن عبد الله(۱۴۱۰ق)، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت، دارالمعرفه، .

سادات، محمدعلی(۱۳۵۷ش)، **زنده جاوید و اعجاز قرآن**، تبریز: فلق .

سلام، محمد زغول(۱۴۰۳ق)، **اثر القرآن فی تطور النقد العربی**، قاهره: مکتبة الشباب.

سکری، حسن بن حسین(۱۴۰۱ق)، **شرح اشعار الهذلبیین**، قاهره: دارالعروبة.

سیوطی، جلال الدین(۱۳۸۰ق)، **الاتقان فی علوم القرآن**، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تهران: امیر کبیر.

شاکر، محمد کاظم(۱۳۷۶ش)، **روش های تأویل قرآن**، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

صادقی تهرانی(۱۳۶۷ش)، محمد، **الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن والسّنه**، قم: فرهنگ اسلامی.

صادقی تهرانی(۱۳۸۰ش)، **ستارگان از دیدگاه قرآن**، تهران: امید فردا.

----------(۱۳۴۹ش)، **زمین و آسمان از دیدگاه قرآن**، تهران: کتابفروشی مصطفوی بوذرجمهری.

طباطبائی، محمد حسین(۱۳۷۴ق) ، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین قم.

فراهیدی، خلیل بن احمد(۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، قم، انتشارات هجرت.

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب(۱۳۸۶ق)، **قاموس المحیط**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق(۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیة .

مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۸۸ش)، **معارف قرآن: خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۸۶ق)، **پیام قرآن: روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

نجار، علی(۱۳۸۱ش)، **اصول و مبانی ترجمه قرآن**، رشت، کتاب مبین.

--------، (۱۳۸۵ش)،« نقش تطور در ترجمه قرآن»، **رشد آموزش قرآن** ،دوره سوم شماره ۴.

نقیب زاده، محمد(۱۳۸۴ش)، «منابع ادبی و نقش آنها در تفسیر»، **ماهنامه معرفت**، سال چهاردهم، شماره۹ (پیاپی۹۶).